

چرا باید علیه همه جناح‌های طبقه حاکم مبارزه کرد

عبارتی مانند دیپلماسی، صلح‌جهانی، کمک‌های انساندوستانه جزو بی‌رنگ‌ترین واژه‌های زبان سیاست شده‌اند. برای بسیاری از مردم اینها کلماتی هستند که قدرتمداران در جنگ ریاکارانه بر علیه یکدیگر بکار می‌برند. زبان سیاست، هر چقدر هم که ظریف و زیرکانه باشد، در مقابل افکار عمومی دنیای امروز با دشواری‌های انکارناپذیری مواجه است.

مردم به تجربه دریافته‌اند که احزاب سیاسی مدعی قدرت، شکارچیان آراء و محبوبیت انتخاباتی هستند. به همین سبب نیز بازار نمایشات انتخاباتی بویژه در غرب، کساد است. بسیاری از حقایق روزمره پنهان در ذره سیاست را مردم درک کرده‌اند. این دانسته‌ها اما تجلی سیاسی سازمانیافته ندارد. واکنش‌ها غالباً منفرد و متمایز است. برای همین نیز از کارایی چندانی برخوردار نمی‌باشند. اینها اما دلیلی برای تسلیم و ناامیدی نیست. کارگران و مردم تحت استثمار و انقیاد، همواره برای بهبود اوضاع مبارزه کرده و میکنند. گردانندگان سیستم سیاسی موجود نیز بر این حقایق واقف هستند.

امروزه هزینه‌های هنگفتی صرف سازماندهی پلیس و دستگاه‌های آموزشی و رسانه‌ای میشود. کافی است تا صدای اعتراض جناح‌های چپ پارلمان‌ها مثلاً به میزان بودجه نظامی و دفاعی بلند شود. امواج اخبار و فیلم‌های تکان‌دهنده مستندخبری در باره خطر ارتکاب به جنایات و دزدی و اعمال خلاف قانون در سرلوحه اخبار رسانه‌های عمومی قرار می‌گیرد. در سایه نگرانی و ناامنی فوری اجتماع، لویح پیشنهادی از طرف احزاب راست و محافظه‌کار برای افزایش بودجه و تجهیزات پلیس به پارلمان میرود. شور و بحث در قوه مقننه برای تصویب یا اصلاح لویح آغاز میشود. (البته در آنجا که نظام کشتار و استثمار براساس قانون و دمکراسی سازمان یافته و اصل بورژوازی جدایی قوه مقننه، قضائیه و اجرائی جریان دارد) احزاب و جناح‌های مدعی هدایت نظم و منتقدین به میدان می‌آیند. چپ‌ها شروع به اعتراض علیه ارقام نجومی کرده و بر ضرورت صرف این هزینه‌ها برای اصلاح نظام تاکید می‌ورزند. راست‌ها به اوضاع ناامن جامعه و افزایش جرائم استناد میکنند. سر انجام احزاب میانه و سوسیال دمکرات اصلاحات خود را برای رضایت دوطرف ارائه مینمایند. کار یکسره میشود. هم احزاب سیاسی سیستم، به نان شب و آراء خود دست یافته‌اند و هم «مشکل» حل شده است. مسئله اما به این سادگی پیش نمیرود. همانطور که پلیس و نیروی نظامی وظیفه کنترل و سرکوب جنبشهای اعتراضی را دارد، رسانه‌ها و دانشگاه‌ها (سیستم ایدئولوژیک و آموزشی جامعه بورژوا) نیز وظیفه کنترل و سرکوب نظریات انقلابی را بعهده دارند. انستیتوهای اقتصادی، اجتماعی، روانشناسی، روزنامه‌نگاری و علوم سیاسی تحقیقات دامنه‌داری در زمینه‌های مختلف بعمل آورده و جهتگیری اصلی تولیدات فکری نظریه‌پردازان جامعه بورژوا را تعیین میکنند. از بکارگیری آخرین دستاوردهای روانشناسی توده‌ای در آگهی‌های تجارتي و جنگی تا تولید پیچیده‌ترین تئوری‌ها برای ایجاد مارکسیسم‌های اخته و استرلیزه شده برای روشنفکر ناراضی، از بکارگیری موسسات نظرسنجی دستگاه‌های امنیتی تا خلق راهکارهای مقابله و هدایت آن توسط اساتید خبره، جزئی از سوخت‌وساز دایمی سیستم موجود است.

این واقعیت اما حکایت از چیز دیگری نیز دارد. اینکه صحنه مبارزه، فقط عرصه نقشه‌های از پیش تعیین شده نیست. قابلیت مادی و ظرفیت تاریخی نظام‌های اقتصادی و اکتورهای سیاسی را نباید دست کم گرفت. نظام در حال فروپزایی را نمیشود با تدابیر جنگی و ایدئولوژیک سرپا نگه داشت. کارایی چنین تدابیری منوط به

وجود سرمایه و توان اقتصادی جهت صرف بودجه‌های هنگفت در زمینه‌های مختلف است. وجود آرامش نسبی ناشی از تامین مایحتاج اولیه و یا سرکوب عریان و اختناق نیز یکی دیگر از ملزومات است. حال بیاید از این دریچه به تماشای رخدادها و نقش احزاب سیاسی در آن بنشینیم. بیاید تا از یک منظره دور دست، از جایی که اختلافات و تمایزات روزمره اینان در رقابت برای احراز مکانی در سیستم، توجه ما را بخود جلب نکند، به رخدادها نگاه کنیم. اگر در چنین نظاره‌گاهی بایستیم، ژرفای مفهوم «سیستم» را روشنتر درمیابیم. حال از همین منظر به یک خبر سیاسی نه چندان مهم در حاشیه روزنامه مترو سوئد نگاه کنیم. «یان بیورکلند یکی از رهبران حزب مردم سوئد اظهار نمود که در صورت لزوم ما باید در حمله نظامی به عراق دخالت فعال داشته باشیم. حزب مردم مدافع دخالت سوئد در عملیات نظامی علیه عراق بوده و چنین اقدامی را در راستای خط و مشی حزب می‌بیند. از همین رو نیز حزب مردم خواستار بررسی این پیشنهاد توسط وزارت خارجه سوئد است.»

روزنامه مترو سپس می‌افزاید که آمریکا مشورت‌هایی با دول و احزاب اروپایی بعمل آورده و نیازی به کمک نظامی در این زمینه ندارد. اما یاری سیاسی برای پیشبرد وظایف صلح آمیز ضروری است. «نخست‌وزیر سوئد یوران پرشون در این باره گفت که صحبتی در باره شرکت سوئد در عملیات نظامی نخواهد بود. اما سوئد میتواند قرارگاه کمک‌های درمانی در منطقه جنگ داشته باشد.» تلخیص و ترجمه از روزنامه مترو ۲۵ نوامبر ۲۰۰۲

نماینده لیبرالیسم سوئد خواستار دخالت در عملیات نظامی است. نخست‌وزیر سوسیال دمکرات اما وظیفه «انسانی» جنگ، یعنی درمان زخمی‌ها را بعهده می‌گیرد. همین خط سیر را دنبال کنید. به آندسته از احزاب به اصطلاح کمونیستی میرسید که برخلاف بسیاری از دوستان خود همچنان به کمونیسم برژنفی و استالینی وفادار بوده و نخواسته‌اند تا شعبه حزب لیبرال یا سوسیال دمکرات فلان کشور اروپایی در میهن عزیزشان بشوند. موضع اینها دوری از جنگ و دفاع از صلح است. و البته صلح میان جورج بوش و صدام حسین. مثل زمانی که صدام توانست به کمک آلمان سلاح‌های شیمیایی بر علیه مردم حلبچه بکار گیرد. آیا نظام موجود بدون وجود احزاب میانه و چپ قادر به ادامه حیات است؟ آیا حکومت جمهوری اسلامی که در محاصره جنبش‌های اعتراضی سال ۵-۱۳۷۴ قرار گرفته بود، بدون عروج خاتمی به صحنه، بدون اصلاح‌طلبی اسلامی، میتواند هنوز بر سر کار باشد؟ آیا هیچ جنگی بدون درمانگاه‌های مستقر در میدان جنگ، بدون صلیب سرخ، بدون شعار دفاع از صلح ممکن است؟ آیا پارلمان سرمایه‌داری بدون وجود نمایندگان جناح‌های مختلف و احزاب رنگارنگ میتواند محل کسب اعتبار و وضع «قانون» باشد؟ همه اینها برای کارکرد سیستم ضروری است.

یکی جنگ میکند و دیگری زخمی‌ها و اسرا را از میدان جنگ به قرارگاه میبرد. یکی اوضاع زمان جنگ را رهبری میکند و دیگری اوضاع زمان صلح و آرامش را. یکی طرفدار اعتدال و لیبرالیسم است و دیگری بشدت از سنن و نهادهای سنتی و مذهبی و فاشیستی دفاع میکند. یکی خواستار سرکوب عریان طبقه کارگر و استثمار وحشیانه آن است و دیگری این شیوه را برای نظام خطرناک یافته و خواستار ایجاد تامین نسبی و آشتی طبقاتی جهت دوام جامعه طبقاتی است. جامعه سرمایه‌داری و طبقه سرمایه‌دار بدون نهادهای مدافع مدنیت، حقوق بشر، صلح و غیرقابل تصور است. همه اینها اجزاء یک پیکره واحد، اجزاء سیستمی معین هستند. بدون نقش مشخص هر یک، حفظ و بقاء نظام سرمایه‌داری ناممکن است. از همین رو نیز کمونیست‌های انترناسیونالیست، احزاب مدافع جنگ و صلح را به یک اندازه مسئول جنایات روزمره نظم موجود میدانند. و بالاخره از همین رو نیز کمونیست‌های انترناسیونالیست یک مبارزه همه جانبه علیه کلیت نظام، مبارزه‌ای علیه تمام جناح‌های سرمایه را شرط پایه‌ای برای براندازی این سیستم میدانند.